

بررسی و تحلیل ساختارهای انسان‌گرایی در شخصیت‌های اساطیری فانتزی منظومه‌های حماسی بهمن‌نامه و فرامرزنانه منطبق با نظریه خودشکوفایی آبراهام مزلو

چکیده

منظومه حماسی بهمن‌نامه ایران‌شاه ابن‌ابی‌الخیر در سال ۱۳۷۳ با ویرایش رحیم عفیفی از سوی انتشارات علمی و فرهنگی منتشر گردیده و منظومه حماسی فرامرزنانه از سرایندهگان ناشناس اواخر قرن پنجم نیز با کوشش ماریولین فان زوتفن و ابوالفضل خطیبی در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. در این منظومه‌های حماسی، با افراد موفق زیادی با ویژگی‌های والای انسانی مواجه هستیم. از طرفی، ارج نهادن به شاخصه‌های مطلوب و مثبت انسانی، یکی از محورهای اصلی در مکتب روانشناسی انسان‌گرا است. بنابراین، می‌توان این شاخصه‌ها را در شخصیت‌های اساطیری مورد بررسی قرار داد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی سعی دارد ساختارهای انسان‌گرایی در شخصیت‌های اساطیری فانتزی منظومه‌های حماسی بهمن‌نامه و فرامرزنانه منطبق با نظریه خودشکوفایی آبراهام مزلو را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. نتایج پژوهش که از بررسی منابع کتابخانه‌ای با تحلیل محتوا به دست آمده نشان می‌دهد که ویژگی‌های خاص و خارق‌العاده شخصیت‌های اصلی این دو اثر حماسی که با استعدادهای خدادادی به خودشکوفایی رسیده‌اند، در ابعاد رفتاری، گفتاری و فکری، قابل مقایسه با «نظریه خودشکوفایی مزلو» می‌باشند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی و تحلیل ساختارهای انسان‌گرایی در شخصیت‌های اساطیری فانتزی منظومه‌های حماسی بهمن‌نامه و فرامرزنانه.
۲. بررسی و تحلیل ساختارهای انسان‌گرایی نظریه خودشکوفایی آبراهام مزلو منطبق با شخصیت‌های اساطیری فانتزی منظومه‌های حماسی بهمن‌نامه و فرامرزنانه.

سؤالات پژوهش:

۱. ساختارهای انسان‌گرایی در شخصیت‌های اساطیری فانتزی منظومه‌های حماسی بهمن‌نامه و فرامرزنانه کدامند؟
۲. کدام ساختارهای انسان‌گرایی نظریه خودشکوفایی آبراهام مزلو منطبق با شخصیت‌های اساطیری فانتزی منظومه‌های حماسی بهمن‌نامه و فرامرزنانه می‌باشند؟

کلیدواژه‌ها: حماسه، شخصیت اساطیری فانتزی، آبراهام مزلو، بهمن‌نامه، فرامرزنانه.

مقدمه

توجه به آثار ادبی قرن پنجم و ششم، با دیدگاه نقد ادبی معاصر، باعث دقت پژوهشگران به هنر ترسیم ادبای فارسی و آگاهی یافتن از فخامت آثارشان می‌گردد. و به این قضیه آگاهند که زمینه نقد ادبی کنونی، جهان غرب است، اما در ادب فارسی، اصول و قواعدی ریشه دوانیده است که برخی از آن‌ها در ایام کنونی، در قالبی جدید و نو به ادب پژوهان دنیا ارائه می‌شود. به این خاطر ماندگارند و نیز ارتباط ادبیات سنتی و مدرنیته برقرار می‌گردد. داستان‌های فانتزی یکی از نمونه‌های ادبیات کهن اند که در ادبیات نو نیز مورد توجه هستند. داستان فانتزی، یک داستان خیال انگیز است که پای‌بند اصول خاص یک سبک نباشد و ناشی از تصورات نویسنده و برای تفنن نوشته شده باشد، آهنگی بی‌قاعده و آزاد که مبین اوهام و تخیلات آهنگ‌ساز باشد. شعر حماسی به این دلیل از ارزشمندترین انواع سخن منظوم به حساب می‌آید که به منزله آینه‌ای است که تصویر بزرگی‌ها، منش‌های نیک، سنت‌ها و پایبندی‌های اخلاقی آن ملت‌ها را در آن‌ها می‌توان مشاهده کرد. موضوع این پژوهش به بررسی شخصیت‌های اساطیری فانتزی منظومه‌های حماسی: بهمن‌نامه و فرامرزنامه بر اساس نظریه انسان‌شناسی آبراهام مزلو است

یکی از محورهای اصلی در مکتب انسان‌شناسی، ارج نهادن به شاخصه‌های مطلوب و مثبت انسانی است که وجه تمایز آن با مکاتب دیگر روانشناسی است. انسان‌گراها با تکیه بر شاخصه‌های مطلوب از پرداختن صرف به ضعف‌ها و کاستی‌های نوع بشر فاصله گرفته‌اند و چهارچوب‌هایی را برای انسان آرمانی و خودشکوفای برشمرده‌اند. در بررسی این دو منظومه به رفتار و فکر اساطیر فانتزی با به‌کارگیری نظریه خودشکوفایی مزلو این امکان را مهیا می‌کند تا با نگرشی روشمند و دور از نظر شخصی بازنمایی شود. هدف اصلی پژوهش حاضر این است که اندیشه‌های انسان‌گرایانه اساطیر فانتزی این دو منظومه با رویکرد نظریه خودشکوفایی مزلو بررسی و تحلیل شود. این پژوهش از آن روی اهمیت دارد که با تکیه بر پژوهش‌های میان رشته‌ای، به ویژه حماسه‌های ایرانی و روانشناسی، توجه به لایه‌های پنهان اندیشه و شخصیت‌های اسطوره‌ای چون بهمن، فرامرز، برزین آذر، جاماسب، زال و... واکاوی شود.

این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی پرداخته شده است. برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، از منابع کتابخانه‌ای و مقالات پژوهشی استفاده شده است. ابزار پژوهش نیز، فیش‌برداری و یادداشت‌نویسی بوده است. جامعه آماری، منظومه حماسی بهمن‌نامه ایرانشاه ابن ابی‌الخیر می‌باشد که در سال ۱۳۷۳ با ویرایش رحیم عقیقی از سوی انتشارات علمی و فرهنگی منتشر گردیده است و همچنین منظومه حماسی فرامرزنامه از سرایندگان ناشناس اواخر قرن پنجم با کوشش ماریولین فان زوتفن و ابوالفضل خطیبی در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است. ساختار مقاله و عنوان بندی به این شکل است که ابتدا آراء مزلو به عنوان عناوین اصلی از رأس هرم به پایین ذکر و سپس، شواهد مثالی از اساطیر فانتزی این دو منظومه حماسی ذیل این عنوان‌ها بیان می‌گردد و در نهایت، تحلیل‌ها به متن افزوده شده است. تاکنون در هیچ پژوهشی به‌طور مستقل درخصوص شخصیت‌های اساطیری فانتزی در بهمن‌نامه و فرامرزنامه از دریچه نظریه

خودشکوفایی مزلو، تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. از این رو، تحقیق حاضر برای نخستین بار به این موضوع می‌پردازد. با این حال، در چند پژوهش به بررسی نظریه مزلو در شخصیت‌های متفاوت پرداخته‌اند. اشرفزاده و عباسی (۱۳۹۷) به بررسی شخصیت‌های منظومه‌های حماسی بهمن‌نامه، کورش‌نامه، فرامرنامه و گرشاسب‌نامه براساس نظریات انسان‌شناسی کارل راجرز و آبراهام مزلو پرداخته‌اند که از منظر این دو نظریه، به مقایسه چهار شخصیت اصلی منظومه‌ها پرداخته‌اند. در این پژوهش، شخصیت‌های بارز این منظومه‌های حماسی، در بیشتر موارد با الگوهای «خودشکوفایی» آبراهام مزلو و «کارکرد کامل» کارل راجرز مطابقت دارند. محمدی آشنانی و هم‌تیمان نجف‌آبادی (۱۳۹۶) به بررسی تطبیقی دیدگاه قرآن کریم و روانشناسی انسان‌گرا با تاکید بر مدل انسان خودشکوفای «آبراهام مزلو» پرداخته‌اند. هرم نیازهای آبراهام مزلو، تنها با عنایت به زندگی محدود دنیوی انسان و جنبه مادی او تدوین شده و به زندگی اخروی و حیات جاودانی و جنبه متعالی او، به طور کامل بی‌اعتنایی شده است، در حالی که قرآن کریم، بحث نیازمندی انسان را با توجه به همه عوالم قبل از دنیا، زندگی دنیوی و حیات اخروی انسان تدوین و جنبه متعالی او را مورد عنایت ویژه و خاص قرار داده است. نتیجه پژوهش حاضر، از این نظر که به جنبه‌های مادی شخصیت‌های حماسی بهمن‌نامه و فرامرنامه پرداخته است با مدل مزلو همپوشانی و با جنبه‌های مادی شخصیت‌های کامل دارد اما یا جنبه‌های معنوی قرآن کریم همخوانی ندارد. ستاری و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی شخصیت رستم براساس داستان رستم و اسفندیار در شاهنامه و نظریه «خودشکوفایی» آبراهام مزلو پرداخته است. از نگاه ستاری و همکارانش، ویژگی‌هایی ارائه می‌شود که در مورد بیشتر افراد موفق مصداق دارد که رستم یکی از موفق‌ترین و کامیاب‌ترین شخصیت‌های شاهنامه است و عناصر اصلی ویژه افراد خودشکوفای مزلو دراندیشه‌ها، رفتار و گفتار وی قابل‌بازیابی است و همچنین او در مقایسه با دیگر شخصیت‌های شاهنامه استقلال خود را نسبت به جامعه خویش حفظ می‌کند. در پژوهش حاضر، با تطبیق مدل خودشکوفایی آبراهام مزلو با دو اثر حماسی بهمن‌نامه و فرامرنامه تا حدود زیادی ویژگی‌های رستم را می‌توان با بهمن، فرامرز، زال و بانو گشسپ، مقایسه و تطبیق داد.

نوروزی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی شخصیت بهرام در هفت پیکر با توجه به نظریه خودشکوفایی مزلو پرداخته‌اند. براساس این پژوهش، تفکر نظامی بیان‌کننده کمال، تعالی و خودشکوفایی شخصیت‌های داستان، مخصوصاً بهرام گور است. اما نه کمالی پر رنج؛ بلکه تجربه‌ای همراه با شادی و امیدواری، با توجه به جسم و روح و در دو بعد مادی و معنوی که از این نظر با نظریه شخصیتی مزلو کاملاً سازگار است. اما در بهمن‌نامه و فرامرنامه قهرمانان اصلی برای رسیدن به کمال و تعالی دنیوی، مسیر تعالی را با رنج سپری می‌کنند و به هدف که امید و موفقیت است، می‌رسند. شخصیت‌های حماسی پژوهش حاضر با شخصیت بهرام دارای هدفی بکسان اما مسیری متفاوت برای رسیدن به آن تجربه کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

بررسی این دو اثر نشان می‌دهد که شخصیت‌های برجسته در بهمن‌نامه و فرامرزنامه در بیشتر اوقات با الگوهای خودشکوفایی «آبراهام مزلو» مطابقت دارند. شخصیت‌های اصلی این منظومه‌ها در مقایسه با دیگر شخصیت‌های این دو اثر از استقلال بیشتری برخوردارند. هر چند گاه در این حماسه‌ها شخصیتی موجود است که در تمام سطوح نیازهای مزلو گنجانده نمی‌شوند مانند: لؤلؤ، کتایون، مهارک دیو و شخصیت‌های اصلی بررسی شده، معمولاً دارای اعتماد به نفس بالا و ایجاد کننده امنیت، عاشق و خودشکوفای هستند. آن‌ها معمولاً برخلاف روند معمول حرکت می‌کنند و برخوردار از ویژگی‌های انسان‌های خودشکوفای در هرم مزلوست. بهمن و فرامرز از اساطیر فانتزی و برخی دیگر از پهلوانان، که از قهرمانان اصلی و تأثیرگذار در منظومه‌های بررسی شده هستند، دارای خصلت‌هایی برتر مانند: عشق، احترام، عزت نفس، امنیت و خود شکوفایی هستند. و از ویژگی‌های اصلی اساطیر فانتزی و قهرمانان حماسی است. البته این اشخاص دارای اعتماد به نفس بالایی هستند که در مواقع خاص تصمیم خاص می‌گیرند. مانند زمانی که در جنگ دوم بهمن با فرامرز، که پهلوانان به او خیانت کردند. زال این واقعه را در خواب می‌بیند و پهلوان را از جنگ پرهیز می‌دهد. اما وی تصمیمی برخلاف نظر زال می‌گیرد. این شخصیت‌ها به خاطر قاطعیت و نهراسیدن از هر مهلکه‌ای، می‌توان در بالاترین درجه شخصیتی مزلو قرار داد. آن‌ها به خاطر آزادی و خودمختاری خویش، تحت تأثیر فشارهای بیرونی قرار نمی‌گیرند. در کل، شخصیت‌های اصلی این دو منظومه، فرامرز در مرتبه بالا و برتر از بهمن است. چرا که فرامرز برای دیگران دچار گرفتاری می‌شود ولی بهمن برای انتقام مجبور به طی این مسیر شده است. ویژگی خاص و برجسته‌ای که این دو متن را متمایز می‌کند عبارتند از: تلاش برای پیوند اقوام، دوری از جنگ، توجه جدی به شخصیت‌های داستانی و جزئیات آن‌ها، گرایش به زندگی آرمانی، اعتماد کردن به احساسات درونی درباره یک تصمیم و عمل کردن بر اساس آن‌ها و توجه به نظر دیگران، برخورداری از خلاقیت به چشم می‌خورد.

منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۸۵). زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه. چ هفتم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- اشرف‌زاده، رضا؛ عباسی، زهرا. (۱۳۹۷). «بررسی شخصیت منظومه‌های حماسی بهمن‌نامه، کوش‌نامه، فرامرزنامه و گرشاسب‌نامه براساس نظریات انسان‌شناسی کارل راجرز و آبراهام مزلو». فصلنامه علوم ادبی، ش ۱۴، صص ۴۸-۹.
- ایرانشاه، ابن ابی‌الخیر. (۱۳۷۰). بهمن‌نامه. ویراسته رحیم عقیفی. چ اول. تهران: علمی و فرهنگی.
- براهنی، رضا. (۱۳۶۲). قصه نویسی. چ اول. تهران: سازمان انتشارات اشرفی.

بهره‌ور، مجید. (۱۳۸۸). «بازخوانی زندگینامه مولوی با نظر به سلسله مراتب نیازهای مزلو». مطالعات عرفانی. ش دهم. صص ۷۸-۱۱۸.

پارسا، حسن. (۱۳۸۸). انگیزش و هیجان. چاپ دهم. تهران: دانشگاه پیام نور.

دقیقیان، شیرین دخت. (۱۳۷۱). منشأ شخصیت در ادبیات داستانی. چ اول. تهران: نویسنده.

راس، آلن. (۱۳۷۳). روان‌شناسی شخصیت. ترجمه سیاوش جمال‌فر. چ اول، تهران: بعثت.

رزمجو، حسین. (۱۳۸۱). قلمرو ادبیات حماسی ایران. ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سیاسی، علی اکبر. (۱۳۷۱). نظریه‌های شخصیت، چ پنجم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ستاری، رضا؛ صفارحیدری، حجت و محرابی کالی، منیره. (۱۳۹۴). «شخصیت رستم براساس داستان رستم و اسفندیار در شاهنامه و نظریه «خودشکوفایی» آبراهام مزلو». متن پژوهی ادبی (زبان و ادب پارسی). س ۱۹، ش ۶۴. صص ۱۰۹-۸۳.

شامل، سعید. (۱۳۷۷). مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت. چ ششم، تهران: انتشارات رشد.

شولتس، دوان. (۱۳۶۹). روانشناسی کمال، ترجمه گیتی خوشدل، چ پنجم، تهران: نشر نو.

صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۷). حماسه‌سرایی در ایران، چ هفتم، تهران: امیرکبیر.

ظهیری ناو، بیژن؛ علایی ایلخچی، مریم و رجبی، سوران. (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی نمودهای خودشکوفایی در مثنوی با روان‌شناسی انسان‌گرایانه آبراهام مزلو». پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا). ش ۳، (پیاپی ۷) صص ۹۱-۱۲۴.

عبداللهیان، حمید. ۱۳۸۰. «شیوه‌های شخصیت‌پردازی». مجله ادبیات داستانی، ش ۵۴، صص ۶۲-۷۰.

فان زوتفن، ماریولین؛ خطیبی، ابوالفضل. (۱۳۸۲). فرامرزنامه خسرو کیکاووس. چ اول. تهران: انتشارات سخن.

کریمی، یوسف. (۱۳۷۸). روان‌شناسی شخصیت. چ پنجم. تهران: نشر ویرایش.

محمدی‌آشنانی، علی؛ همتیان نجف‌آبادی، محدثه. (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی دیدگاه قرآن کریم و روانشناسی انسان‌گرا با تاکید بر مدل «انسان خودشکوفایی» آبراهام مزلو». مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی، ش ۳، صص ۷-۲۸.

مزلو، آبراهام اچ. (۱۳۷۲). انگیزش و شخصیت. ترجمه احمد رضوانی، چ سوم، تهران: آستان قدس رضوی.

معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی معین، ج دوم، چ دهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نوردبای، ورنون؛ هال، کالوین. (۱۳۶۹). راهنمای نظریه روانشناسان بزرگ. ترجمه احمد به پژوه و رمضان دولتی. چ اول. تهران: رشد

نوروزی، زینب؛ اسلامی، علیرضا و کرمی، محمدحسین. (۱۳۹۱). «بررسی شخصیت‌های بهرام در هفت‌پیکر با توجه به نظریهٔ مزلو». متن‌شناسی ادب فارسی، ش ۴. صص ۳۴-۱۷.

یونسی، ابراهیم. (۱۳۸۲). هنر داستان نویسی. چ اول. تهران: نگاه